

تا دور مهر و مه شود به کام ما	تا پشت فتنه بشکند نظام ما
تا رسم بردگی براندازیم	قائم بود قیام ما
تا خلق خفته ی زمین خبر شود	تا روح خسته ی زمان دگر شود
تا کاخ داد و دین شود برپا	قائم بود قیام ما
جهان به سعی ما جان شود	جمال معدلت بیان شود
ستم بسی در جهان نیاید	پس از خزان نوبهار آید
شب ستم کشان سحر شود	چراغ آهشان شرر شود
به هر کران شعله بر فروزد	که هستی خود سران سوزد
در پرتو قرآن بشر رها شود	از دولت ایمان ستم فنا شود
از عدل و آزادی ز فرّ مردمی	سرتاسر گیتی پر از صفا شود
خجسته بادا به مردم جهان	طلوع این مهر گیتی فروز
خوش آن زمانه که هر ستم کشی	شود رها از غم سینه سوز
در پرتو قرآن بشر رها شود	از دولت ایمان ستم فنا شود
از عدل و آزادی ز فرّ مردمی	سرتاسر گیتی پر از صفا شود
خجسته بادا به مردم جهان	طلوع این مهر عالم فروز
خوش آن زمانه که هر ستم کشی	شود رها از غم سینه سوز